

مطالعه اثر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک

سید جمال‌الدین محسنی زنوزی^۱، کیومرث شهبازی^۲ و روناک پرناک^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۵

چکیده

شاخص حکمرانی خوب از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود. برخورداری کشورهای نفت‌خیز از درآمدهای نفتی با تأثیر بر عملکرد دولت به چالش‌هایی نظیر رشد پایین اقتصادی، فقر و نبود پاسخگویی، فساد و نبود حاکمیت قانون منجر شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای عضو اوپک با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱ است. در این پژوهش از میانگین حسابی شش مؤلفه کنترل فساد، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، قانون‌مداری، اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی با عنوان شاخص حکمرانی خوب استفاده کرده و تأثیر درآمدهای نفتی بر تمامی مؤلفه‌ها را نیز به صورت جداگانه بررسی کرده‌ایم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که

۱. استادیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)؛ sj.mzonouzi@urmia.ac.ir

۲. استادیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه؛ kiumars_shahbazi@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه؛ rounakparnak@yahoo.com

درآمدهای نفتی اثر منفی و معناداری بر شاخص حکمرانی خوب داشته و حاکی از تأثیر منفی و معنادار درآمدهای نفتی بر شاخص‌های کنترل فساد، ثبات سیاسی و اعتراض و پاسخگویی است. از سوی دیگر، درآمدهای نفتی بر روی اثربخشی دولت و کیفیت قوانین اثر منفی و روی قانون‌مداری اثر مثبت داشته، اما این تأثیرات معنادار نبوده است.

واژگان کلیدی: شاخص حکمرانی خوب، درآمد نفتی، اوپک، رهیافت داده‌های تابلویی.

طبقه‌بندی JEL: C33, H11, O53, Q32

۱. مقدمه

قرار گرفتن در مسیر توسعه و توسعه‌یافتگی از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه است. نبود رشد اقتصادی، فقر و نبود پاسخگویی، فساد و نبود حاکمیت قانون از جمله چالش‌هایی است که این کشورها با آن مواجه‌اند. از سوی دیگر، مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی بیانگر آن است که از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها «حکمرانی خوب» است؛ چنانکه حکمرانی خوب را بنیان توسعه خوانده‌اند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸) کیفیت حکمرانی از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که جوامع تا به امروز با آن مواجه بوده‌اند. رهبران و مسئولان سیاسی همواره تلاش دارند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر سازند. تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت بیشتر شهروندان اعلام می‌کنند. تمام حکومت‌ها مدعی هستند که بسترسازی می‌کنند تا از طریق بهسازی فردی، اجتماعی و نهادی، زمینه حکمرانی خوب را فراهم کنند؛ اما تا چه اندازه به این مهم دست‌یافته‌اند، نیاز به بحث و بررسی دارد. در باب دلالت معنایی حکمرانی باید گفت، حکمرانی در ذات خود تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان را دارد. حکمرانی به پویاها یا فرآیندهای تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به گونه‌ای بنیادین حکمرانی در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخگویی معنا می‌یابد (کبیری، ۱۳۹۰) از طرفی کارشناسان مسائل نفت و سیاست، در طول چندین دهه درآمدهای عظیم نفتی را متغیری اصلی در بررسی ساختارها و تحولات کشورهای نفت‌خیز دانسته‌اند. در هر کشوری که بخش

اصلی درآمدهای دولت و تولید ناخالص داخلی از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود، بدون تردید، ثروت نفت متغیری اساسی در تحلیل شرایط سیاست به حساب می‌آید. قرارگرفتن حدود ۷۰ درصد ذخایر نفت جهان در کشورهای عضو اوپک منبع عظیم درآمدی را برای این کشورها فراهم کرده و از آن‌جا که این ثروت بادآورده در دست دولت است، می‌تواند نقش مهمی در حکمرانی ایجاد کند. هنگامی که منابع معدنی، منبع اصلی ثروت دولت باشند، این درآمدهای معدنی چارچوب تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهند. آنها نه فقط بر محیط سیاست‌گذاری واقعی مقامات رسمی تأثیر می‌گذارند، بلکه جنبه‌های اساسی دیگر دولت از قبیل، استقلال در شکل‌گیری اهداف، نوع نهادهای سیاسی اقتباس شده، دورنمای ایجاد قابلیت‌های درآمدزایی و جایگاه اقتدار را نیز متأثر می‌سازند (کارل، ۱۳۸۸). در نظریه دولت رانتیر اتکا به درآمدهای حاصل از رانت، عامل زیربنایی و تعیین‌کننده سرشت دولت و بی‌نیازی آن از مردم و جامعه دانسته می‌شود. هواداران این نظریه اعتقاد دارند که پویش‌های سیاسی در دولت‌های مالیات‌گیرنده و دولت‌های نفتی متفاوت است. دیوان سالاری دولت‌های نفتی، غیرعقلایی و فلسفه وجودی آن، اصل دریافت نکردن مالیات در برابر وجود نداشتن نمایندگی است. بی‌نیازی اقتصادی و درآمدی دولت از جامعه، علت سرشت غیردموکراتیک رژیم‌های رانتیر است. (لوسبانی، ۱۳۷۴: ص ۴۲۶) نفت و دلارهای نفتی در حکمرانی عامل بسیار مهمی به حساب می‌آیند؛ چرا که نقش مهمی در افزایش جنگ، فساد و عملکرد ضعیف حکمرانی در سراسر جهان بازی می‌کنند. امروزه کشورهای تولیدکننده نفت حدود یک سوم از جنگ‌های داخلی در جهان را تشکیل می‌دهند (راس، ۲۰۰۸).^۱ نفت عامل مهمی در تعداد قابل توجهی از جنگ‌های داخلی بوده‌است. کشورهایی که تمایل بیشتری به جنگ و درگیری داشته‌اند، کشورهایی بوده‌اند که ۲۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آن‌ها را مواد نفتی تشکیل داده است (کالیر، ۲۰۰۰).^۲ همراه با پتانسیل دامن‌زدن به جنگ، دلارهای نفتی اثرات سوء بر کیفیت دولت و مؤسسات در بسیاری از کشورهای تولیدکننده دارند. درآمد حاصل از نفت ممکن است در راه تحکیم حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری که نسبت به مردم پاسخ‌گو نیستند، به کار گرفته شود. جریان درآمد فوق‌العاده حاصل از نفت، فرصت بیشتری را برای فساد و سوء مدیریت بودجه ایجاد می‌کند. کشورهای دارای منابع طبیعی اغلب از نظر دولت، جامعه و اقتصاد در مقایسه با

1. Ross

2. Collier

کشورهایی که چنین ثروتی ندارند، ضعیف‌ترند. منابع طبیعی می‌توانند سطح زندگی مردم یک کشور را بهبود بخشند، اما این مهم، در درجه نخست محدود به این است که حکمرانی خوب وجود داشته باشد. (ساترلند، ۲۰۱۲)^۱ یکی از اصلی‌ترین توجیحات منطقی انحراف نقش کارکردی دولت در کشورهای صادرکننده نفت به ویژه ایران این است که دولت در آمد هنگفتی را بدون زحمت دریافت کرده است و به نحوی آن را باید هزینه نماید. نفت و درآمدهای هنگفت ناشی از صادرات آن با ایجاد انحراف در وظایف دولت موجبات تضعیف بازار و بخش تولید را فراهم می‌کند (نجفی، ۱۳۸۳). به بیان دیگر، اتکا بر درآمدهای نفتی کشورهای صادرکننده نفت را به دولت‌هایی ثروتمند تبدیل کرده است و آنها را از رشد اقتصادی بی‌نیاز می‌کند. به دلیل اهمیت درآمدهای نفتی در ایران و کشورهای عضو اوپک که بیش از ۵۰ درصد از صادرات کل این کشورها بوده و تأثیرپذیری عملکرد دولت از این درآمدها و از آنجا که در پی بررسی‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران کار مطالعاتی در مورد بررسی تأثیرپذیری یا نبود تأثیرپذیری شاخص حکمرانی خوب از درآمدهای نفتی در کشورهای عضو اوپک صورت نگرفته است، بنابراین، انجام این پژوهش ضروری است. از سوی دیگر در این مطالعه، تأثیر درآمدهای نفتی بر تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب بررسی می‌شود. ادامه مقاله بدین صورت است: ابتدا مبانی نظری موضوع بیان می‌شود، سپس، مطالعات مشابه انجام شده در این رابطه مرور شده و سرانجام روش‌شناسی پژوهش، برآورد مدل و سرانجام بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

۱-۲. حکمرانی خوب و شاخص‌های آن

امروزه بحث «حکمرانی خوب» در محافل علمی مورد توجه جدی واقع شده است. بانک جهانی پس از آنکه در اجرای سیاست‌های تعدیل^۲ یا همان اجماع واشنگتنی، در برخی

1. Sutherland

۲. در طول دو دهه آخر قرن بیستم، نظریه و عملکرد اقتصاد توسعه تحت تأثیر یک مجموعه از سیاست‌هایی قرار داشته که جان ویلیامسون آنها را «اجماع واشنگتنی» نامیده است. این سیاست‌ها در آمریکای لاتین به سیاست‌های نئولیبرالیزم معروفند، اما خیلی از صاحب‌نظران آنها را «سیاست‌های بازار باز» می‌نامند. در ایران به آنها «سیاست‌های تعدیل» می‌گویند (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴). محورهای اصلی این سیاست عبارتند از: آزادسازی تجاری، انضباط مالی، واقعی کردن قیمت ارز و تأکید بر خصوصی‌سازی.

کشورها ناموفق بود، به این نتیجه رسید که چون دولت‌ها در آن کشورها شرایط لازم را ندارند، نمی‌توانند در اجرای توصیه‌های این بانک و آزادکردن قیمت‌ها موفق عمل کنند. به بیان دیگر، پذیرش و اجرای سیاست‌های تعدیل و توصیه‌های بانک جهانی به دولتی نیاز دارد که این دولت در آن کشورها وجود ندارد. این در واقع نخستین مرحله شکل‌گیری و پیدایی اندیشه «حکمرانی خوب» است (نادری، ۱۳۹۰). از اواخر دهه ۱۹۸۰، بانک جهانی بحث حکمرانی خوب را طرح کرد. این نهاد بین‌المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر نموده، برای نخستین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو تعریف کرده است (استو، ۱۹۹۲)^۱. در زمینه حکمرانی خوب تعاریف متعددی از اشخاص و نهادهای ملی و بین‌المللی ارائه شده که برخی از این تعاریف را در زیر آورده‌ایم.

- لیون حکمرانی خوب را مدیریت اثر بخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌داند. به گونه‌ای که چنین مدیریتی شفاف، پاسخ‌گو، عدالت‌جو و باز باشد. (لیون ۲۰۰۰)^۲
- داروین حکمرانی خوب را پارادایم جدید در اعمال حاکمیت می‌داند که سعی دارد با تجمیع ویژگی‌های خاص، حاکمیت ایده‌آل را توصیف کند. ظهور حکمرانی خوب را می‌توان مجموعه جدیدی از ایدئولوژی حاکمیتی در اداره امور عمومی به حساب آورد که سبب شکل‌گیری ایده‌ها و باورهای کلیدی در مدیریت کلان جامعه شده است. (داروین ۱۹۹۶)^۳
- ماری رایبسون کمیسر ارشد حقوق بشر، حکمرانی را فرآیندی می‌داند که از طریق آن نهادهای دولتی به مسائل عمومی می‌پردازند، منافع خود را مدیریت می‌کنند و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌کنند و حکمرانی خوب بر اساس این تعریف، فعالیت‌های یادشده را به شکل صحیح و به دور از خطا و با محوریت قانون انجام می‌دهد. (اهچر ۲۰۰۰)^۴
- سازمان توسعه اقتصادی و همکاری (OECD) حکمرانی خوب را توانایی کار با محیط‌های مختلف برای دستیابی به تعادل در سطوح مختلف محلی و بین‌المللی می‌داند.

1. Stowe
2. Lyon
3. Darwin
4. OHCHR

- در تعریف دیگر، حکمرانی به معنای فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌های تعریف شده که بر اساس آن مفهوم حکمرانی در حوزه‌های مختلفی مانند حکمرانی شرکتی، بین‌المللی، ملی و محلی کاربرد خواهد داشت.^۱
- بانک توسعه آفریقا به عنوان نخستین بانک منطقه‌ای با رویکرد چندجانبه‌گرایی، حکمرانی خوب را به عنوان سیاست سمی حکومت‌ها معرفی می‌کند. حکمرانی خوب از نظر این بانک همان حکمرانی شفاف است که بر اساس چهار مبنای به هم پیوسته «پاسخگویی، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی و مشارکت» استوار است. (کارلوس ۲۰۰۲)^۲
- برنامه توسعه سازمان ملل با انتشار گزارش حکمرانی و توسعه انسانی پایدار (UNDP ۱۹۹۷)^۳ ادبیات نوینی را در مفهوم حکمرانی شکل داد. این سازمان حکمرانی را بهره‌گیری مدیران اجرایی، مقامات سیاسی و اقتصادی برای اداره امور تمام سطوح کشور می‌داند.
- در تعریف دیگر، بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور، اعمال می‌شود که در برگیرنده: ۱. فرآیندی است که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تفویض می‌شوند. ۲. ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست. ۳. احترام شهروندان و دولت، نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند. (کافمن و همکاران ۲۰۰۳)^۴
- بانک جهانی (World Bank ۲۰۰۵)^۵ حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند و بر اساس این شاخص‌ها وضعیت حکمرانی خوب را در کشورهای مختلف هر دو سال یک‌بار در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۲ و به صورت سالانه در دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۷ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این شاخص‌ها عبارتند از:

1. UNESCAP
 2. Carlos
 3. UNDP
 4. Kaufmann *et. al.*
 5. World Bank

۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی: این شاخص بیانگر میزان مشارکت شهروندان هر کشور در انتخابات دولت خود و همچنین آزادی بیان، آزادی انجمن و رسانه‌ها است. (احمداف و همکاران ۲۰۱۳)^۱
۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت: این شاخص احتمال خشونت و نبردهای قومی و قبیله‌ای یا تغییر دولت، از جمله احتمال بروز حملات تروریستی و نیز وقوع جنگ و بحران‌های فراروی کشورها را که تابعی از شرایط بین-المللی و منطقه‌ای است، به تصویر می‌کشد.
۳. کارایی و اثربخشی دولت: در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین، کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تهودی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد، در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه، هر چه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰).
۴. کیفیت قانون‌گذاری: تعدد قوانین و مقررات، بی‌ثباتی و تغییرات مداوم و نبود پایبندی به اجرای آنها و نبود پوشش یا نقض قوانین موجود بیانگر کیفیت قانون‌گذاری است.
۵. حاکمیت قانون: معرف میزان احترام قائل‌شده توسط شهروندان و دولت‌مردان هر کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند.
۶. کنترل فساد: از اندازه‌گیری میزان استفاده مقامات دولتی از امتیازات و امکانات دولتی برای منافع شخصی در سطح خرد و کلان حاصل می‌شود.
۷. در واقع، شاخص‌های بالا از دید بانک جهانی ملاک سنجش حکمرانی در هر کشور خواهد بود. به این معنا که به هر میزان در یک کشور دولت پاسخگوتر و کارآمدتر، ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های آن

کمر، حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود حکمرانی خوب‌تر است. (به نقل از بشیری و شقاقی، ۱۳۹۰)

۲-۲. رویکرد اقتصاد سیاسی به وفور منابع طبیعی

از جنبه اقتصاد سیاسی، وجود منابع طبیعی خودبه‌خود رانت اقتصادی بالا ایجاد می‌کند. به عقیده برخی از پژوهشگران، در اقتصادهای صاحب منابع طبیعی، گروه‌های خاصی وجود دارند که مانع رشد نوآوری می‌شوند و این گروه‌ها عموماً دارای چنین قدرتی هستند که می‌توانند منافع خود را از درآمدهای دولتی حاصل از مالیات بر بخش منابع تأمین نمایند. برخی دیگر معتقدند که وفور منابع باعث رواج رشوه‌خواری و بوروکراسی‌های ناکارآمد و غافل ماندن دولت‌ها از سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی و زیرساخت‌ها برای افزایش قابلیت‌های رشد تولید می‌شود. افزون بر این، اقتصادهایی که از درآمدهای حاصل از صادرات مواد اولیه منتفع می‌شوند، از سیاست‌های توسعه‌ای «جایگزینی واردات» پیروی می‌کنند (ساجس و وارنر، ۱۹۹۷).^۱ در کشورهای صادرکننده عضو اوپک، رانت نفتی به‌طور مستقیم نصیب دولت می‌شود. بنابراین، پیامدهای داخلی این رانت، به تصمیم دولت درباره چگونگی هزینه‌کردن آن بستگی دارد. سهم‌خواهی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و اجتماعی و نیز غیبت نهادهای قانونی و معتبر که به حل و فصل اختلافات و اداره منازعات گروهی بپردازند، موجب می‌شود هنگامی که منابع مالی به آسانی به دست آمده و در دسترس باشند و همگی از این امر اطلاع داشته باشند، مقاومت در برابر خرج کردن، کاری بسیار دشوار شود. بدین ترتیب در هنگام درآمدهای بادآورده، تصمیم‌های تخصیصی که نتیجه زدوبند گروه‌های ذی‌نفع و نقض قوانین و رویه‌های رسمی باشد، مثلاً در تخصیص قراردادهای و یارانه‌های دولتی و تخصیص اعتبار درون نظام بانکی، بسیار رایج است. به این علت سیاست‌های مالی و پولی کشورهای در حال توسعه، بر خلاف کشورهای توسعه‌یافته به ندرت پیامد تثبیت‌کننده داشته و در مواردی حتی عامل مهم بی‌ثباتی بوده است (خیر خواهان و همکاران، ۱۳۸۲). ناکارآمدی‌های اقتصادی و اجتماعی، انگیزه‌های لازم برای اصلاحات اقتصادی و بهبود کارایی و بهره‌وری اقتصاد را از بین می‌برد (همیلتون و روتا، ۲۰۰۶).^۲

1. Sachs & Warner
2. Hamilton, & Ruta

۲-۳. درآمد نفتی و مؤلفه‌های حکمرانی خوب

همان‌طور که بیان شد، حکمرانی خوب شامل شش مؤلفه است، که در این قسمت به بیان نظری ارتباط درآمدهای نفتی با این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود.

شواهد غیرقابل انکاری در مورد اثر مخرب درآمدهای حجیم حاصل از منابع طبیعی بر بسیاری از کشورهای برخوردار از این درآمدها قابل آرایه است. به خصوص این امر در مورد کشورهای صادرکننده نفت پس از شوک‌های قیمت نفت در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ قابل مشاهده است. (طیبیان، ۱۳۸۷) دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاد معتقدند که وفور منابع طبیعی به رفتار رانت‌جویانه و فساد و در نتیجه کاهش کیفیت دولت منجر می‌شود. (باربیر ۲۰۰۳)^۱ استدلال کرده است که هر نوع استفاده از منابع طبیعی و کاهش آن با استفاده در پروژه‌های تولیدی دیگر باید جبران شود. وی بیان کرده است که در کشورهای در حال توسعه، رانت اقتصادی حاصل از منابع طبیعی به سرمایه‌گذاری تولیدی اختصاص نمی‌یابد و در بیشتر کشورها، رانت منابع باعث گسترش فساد و ارتشا در آنها می‌شود. اختلال در تخصیص منابع، کاهش فعالیت‌های مولد، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری اجتماعی و کندی رشد اقتصادی از پیامدهای اصلی رفتارهای رانت‌جویانه هستند. (تفکرآزاد و ممی‌پور، ۱۳۹۲) از طرفی طرفداران نظریه‌های دولت رانتیر و بلای منابع، به طور کلی رویکردی منفی در خصوص آثار رانت‌های حاصل از فروش منابع طبیعی بر دموکراسی اتخاذ کرده‌اند. به اعتقاد آنها یک رابطه معناداری میان رانتیر بودن دولت‌ها و ماهیت غیردموکراتیک آن وجود دارد. به بیان دیگر، بی‌نیازی اقتصادی و درآمد مستقل دولت از جامعه علت ماهیت غیردموکراتیک رژیم‌های رانتیر است. به نوشته لوسیانی کشوری که به درآمد حاصل از فروش منابع زیرزمینی مانند نفت به نقاط دیگر جهان متکی است، ممکن است مبارزه قدرت و جناح‌گرایی را تجربه کرده باشد، ولی بعید است تقاضا و خواسته‌هایی در حمایت از دموکراسی پذیرا باشد. (لوسیانی، ۱۳۷۹) همچنین، در متون سیاسی اعتقاد بر این است که وابستگی به منابع طبیعی تأثیر بالقوه‌ای بر کارایی نهادی دارد. به طور کلی، بین چارچوب کیفیت نهادی و منابع طبیعی یک تعامل دو جانبه وجود دارد؛ به گونه‌ای که منابع طبیعی می‌تواند انگیزه حکومت را برای انجام اصلاحات از بین ببرد و یا اینکه به ایجاد یک بروکراسی با عملکرد خوب آسیب برساند. همچنین، می‌توان گفت

1. Barbier

که کیفیت نهادی ضعیف باعث مدیریت نا مطلوب درآمدهای حاصل از منابع طبیعی می‌شود. (احمداف و همکاران، ۲۰۱۳) در رابطه با ثبات سیاسی (طولانی و یا کوتاه شدن مدت زمان رهبری سیاسی)، نظریه‌های اقتصاد سیاسی منابع طبیعی بیان کرده‌اند که ثروت منابع طبیعی یک عامل تعیین‌کننده برای درجه ثبات سیاسی کشورهای غنی از این منابع بوده و انگیزه اصلی رهبران سیاسی برای باقی ماندن در قدرت، رانت حاصل از استخراج منابع طبیعی است؛ چرا که این رانت حاصل از منابع باعث تجهیز بودجه شده و شانس بر سر قدرت ماندن رهبران سیاسی را از طریق تأمین هزینه‌ها و کاهش مالیات افزایش می‌دهد. با این حال، بین گروه‌های مخالف برای به دست گرفتن قدرت، شورش و درگیری ایجاد می‌شود (اندرسون و اسلاکسن، ۲۰۱۳).^۱ اقتصادهای غنی از منابع طبیعی اکثراً دارای رهبرانی غیر پاسخگو هستند و تمایلی به تنوع‌بخشیدن به اقتصاد و ارائه کالاهای عمومی مرتبط با رفاه اقتصادی مردم ندارند، در نتیجه، نارضایتی واقعی را در میان مردم به وجود می‌آورند. (لاتین و فرون، ۲۰۰۳)^۲ و (ران، ۲۰۰۵)^۳. به عنوان مثال، کشور نیجریه از کشورهای عضو اوپک و با وجود منابع عظیم به شدت دچار بی‌ثباتی سیاسی، فقر، بیکاری حاد جوانان و نرخ بالای جرم و جنایت است (اوگاندیا، ۲۰۱۰)^۴. جنگ‌های داخلی در آنگولا و جمهوری دموکراتیک کنگو هم از این استدلال حمایت می‌کند که کشورهای غنی از منابع طبیعی بیشتر در معرض ابتلا به جنگ نسبت به هم‌تایان فقیر خود (به لحاظ منابع طبیعی) قرار دارند (کاربونیر و همکاران ۲۰۱۱)^۵. (خیرخواهان، ۱۳۸۵) در کتاب «معمای فراوانی: رونق نفتی و دولت‌های نفتی» رانت حاصل از منابع طبیعی به‌ویژه درآمدهای نفتی را علت آشوب‌های سیاسی در اکثر کشورهای صادرکننده نفت (ونزوئلا، ایران، الجزایر، نیجریه و اندونزی) بیان داشته است. ادعای اصلی وی این است که «وابستگی به درآمد نفت، نوع متمایزی از بستر نهادی به وجود می‌آورد که توزیع سیاسی رانت‌ها را تشویق می‌کند. از مشخصه‌های اصلی چنین دولت‌هایی، اتکای مالی به دلارهای نفتی است که حوزه اختیار و عمل دولت (قلمرو و درجه دخالت در اقتصاد) را گسترش می‌دهد و همزمان اقتدار (توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و هدایت کارآمد مسیر تحولات) آن را تضعیف می‌کند، به این

1. Andersen & Aslaksen

2. Fearon & Laitin

3. Ron.

4. Ogundiya

5. Carbonnier *et. al.*

دلیل که توانمندی‌های دیگر کسب درآمد دولت از بین می‌رود. هر زمان مقام‌های دولتی با فشارها و مطالبات دولتی مواجه شوند، عادت پیدا می‌کنند تا به نحو فزاینده‌ای، مخارج عمومی را جایگزین کشورداری و حکمرانی خوب نمایند، در نتیجه، ظرفیت و صلاحیت دولت برای اداره کشور را دائماً ضعیف‌تر می‌کنند».

۳. پیشینه پژوهش

همان‌طور که بیان شد، در کشورهای غنی از منابع طبیعی، وفور این منابع اثرات زیادی بر اوضاع حکمرانی این کشورها خواهد داشت. در حالی که برخی از مطالعات اثرات این وفور و متغیرهای دیگر در نظر گرفته در این پژوهش را بر یک یا دو شاخص حکمرانی خوب بررسی کرده‌اند، ولی به بررسی اثرات آنها بر تمامی شاخص‌های حکمرانی پرداخته نشده است، با این حال، به چند مورد از مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه اشاره می‌شود.

اسمیت^۱ (۲۰۰۴) به بررسی ادعای دانشمندان نفت و سیاست که نفت عامل بی‌ثباتی رژیم و جنگ‌های داخلی است، پرداخته است. برای این منظور از داده‌های تابلویی ۱۰۷ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۶۰-۱۹۹۹ استفاده کرده و با روش رگرسیون لجستیک به این نتیجه رسیده است که درآمدهای نفتی جنگ‌های داخلی را افزایش نداده است.

گوئل و نلسون^۲ (۱۹۹۸) رابطه بین اندازه دولت و فساد را برای ۵۰ ایالت و دوره ۱۹۸۳-۱۹۸۷ بررسی کرده‌اند. آنها با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری LIMDEP به‌طور جداگانه داده‌ها را هم به صورت پانل و هم به صورت مقطعی در نظر گرفته‌اند، یافته‌های آنها نشان می‌دهد که اندازه دولت اثری مثبت بر فساد داشته است.

نیلسون^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان نحسی ثروت-ارتباط بین وفور منابع طبیعی و فساد، با استفاده از مدل داده‌های تابلویی به مدت ۳۵ سال و از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته به این نتیجه رسیده است که درآمدهای نفتی موجب آسیب رساندن به دموکراسی می‌شود.

1. Smith.
2. Goel & Nelson.
3. Nilsson.

بهاتاچری و هادلر^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهشی رابطه بین منابع طبیعی، دموکراسی و فساد را بررسی کرده‌اند. دوره مورد مطالعه ۱۹۸۰-۲۰۰۴ داده‌های تابلویی و برای ۱۲۴ کشور بوده است. آنها با استفاده از نظریه بازی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رانت منابع و فساد وابسته به کیفیت نهادی دموکراتیک است. یعنی در کشورهای دموکراتیک منابع طبیعی روی فساد تأثیر ندارد، ولی در کشورهای غیردموکراتیک منابع طبیعی به فساد منجر شده‌اند.

باربیر^۲ (۲۰۱۰) به بررسی اثر منابع طبیعی بر فساد در آفریقا و آسیا، به عنوان کشورهای وابسته به نفت در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۳ پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که در بلندمدت فساد وابسته به منابع طبیعی بوده است.

آرواته و همکاران^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان فساد و اندازه دولت به بررسی ارتباط بین اندازه دولت و فساد پرداخته‌اند. کشورهای OECD (سازمان توسعه اقتصادی و همکاری) و کشورهای در حال توسعه (کشورهای آمریکای لاتین) در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۳ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنها با استفاده از روش گرانجر و هوانگ (۱۹۹۷) به این نتیجه رسیده‌اند که اندازه دولت در هر دو نمونه باعث فساد شده است. سیاست پیشنهادی آنان حکمرانی خوب است، چرا که با وجود پاسخ‌گویی و شفافیت و کارایی دولت، فساد کاهش می‌یابد.

آرزکی و بروکنر^۴ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان رانت نفت، فساد و ثبات دولت، ارتباط بین این عوامل را با استفاده از مدل پانل برای ۳۰ کشور در دوره ۱۹۹۲-۲۰۰۵ بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که هر افزایش در رانت نفتی به‌طور قابل توجهی فساد را در کشورهایی که دولت سهم بالایی در تولید نفت دارد، افزایش می‌دهد؛ اما در کشورهایی که مشارکت دولت در تولید نفت کمتر است، این افزایش فساد به مراتب کمتر است.

اندرسون و اسلاکسن^۵ (۲۰۱۲) به مطالعه رابطه بین نفت و ثبات سیاسی پرداخته‌اند. ۱۵۲ کشور برای مدت زمان ۶۰۰ رهبری سیاسی و با استفاده از مدل پانل بررسی

1. Bhattacharyya & Hodler.

2. Barbier.

3. Arvate, *et.al.*

4. Arezki & Brückner.

5. Andersen & Aslaksen.

کرده‌اند و نتیجه به‌دست آمده این است که درآمد نفتی بر طول مدت سیاسی اثر مثبت و معناداری داشته است.

کوئرا و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان اندازه دولت، فساد و دموکراسی، با استفاده از داده‌های سالانه از ۸۲ کشور بین سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۸ به روش داده‌های تابلویی به بررسی این اتباط پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که افزایش در اندازه دولت به شرط افزایش دموکراسی باعث کاهش فساد می‌شود، در مقابل، اگر سطح دموکراسی پایین باشد، اندازه دولت باعث فساد می‌شود.

احمداف و همکاران (۲۰۱۳)، رابطه بین درآمدهای نفتی و کارایی دولت را برای کشورهای منتخب حوزه دریای خزر (آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان) بررسی کرده‌اند. دوره مورد مطالعه ۲۰۱۱-۱۹۹۶ و با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی و مدل رگرسیون خطی چندگانه به این نتیجه رسیده‌اند که درآمدهای نفتی اثر منفی بر کارایی دولت دارد.

مه‌دوی^۲ (۲۰۱۴)، رابطه بین درآمد نفتی و فساد را در کشورهای نفت‌خیز برای دوره ۱۹۹۷-۲۰۱۳ برای ۳۹ کشور تولیدکننده نفت بررسی کرده است. نتایج پژوهش آنها حاکی از وجود فساد بالا در کشورهای نفت‌خیز است.

رنجبر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل درآمدهای نفتی و کیفیت با رشد (مطالعه موردی کشورهای اوپک)، ارتباط درآمدهای نفتی و کیفیت نهادی را اندازه گرفته‌اند. دوره مورد مطالعه ۲۰۰۰-۲۰۱۰ برای ۱۳ کشور عضو اوپک بوده و با استفاده از روش حداقل مربعات دو طرفه بررسی صورت گرفته است. نتایج حاکی از رابطه منفی بین درآمدهای نفتی و کیفیت نهادی بوده است.

صامتی و اسمعیل دره‌چائی (۱۳۹۲) ارتباط بین وفور منابع طبیعی و مالیات‌گیری را بررسی کرده‌اند. پژوهش آنها برای کشور ایران در دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۷ در قالب یک مدل خطی بوده و یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که ثروت‌های بادآورده ناشی از منابع نفتی نیاز به مالیات‌گیری را کاهش می‌دهد.

از آنجا که مطالعات انجام‌شده تأثیر درآمدهای نفتی را بر تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب بررسی نکرده‌اند و به دلیل اهمیت این شاخص در توسعه کشورها ضرورت این بررسی احساس می‌شود.

۴. مدل و روش برآورد آن

در این بخش به منظور مدل‌سازی و برآورد تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب، از رویکرد اقتصادسنجی داده‌های تلفیقی استفاده می‌کنیم. تلفیق آمارهای سری زمانی با آمارهای مقطعی نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای برآورد مدل‌های اقتصادسنجی فراهم کند، بلکه بر مبنای نتایج به دست آمده می‌تواند استنباط‌های سیاست‌گذاری درخور توجهی به عمل آورد. هسیائو^۱ (۲۰۰۳) و کلومارکن^۲ (۱۹۸۹) (به نقل از بالتاجی^۳ ۲۰۰۵) بیان کرده‌اند که مزیت مدل‌های تابلویی بر مدل‌های با برش مقطعی محض در این است که این مدل‌ها دارای انعطاف‌پذیری بیشتری در تبیین رفتاری فردی در طول زمان هستند. همچنین، با استفاده از این روش می‌توان مدل‌های پیشرفته‌تر و کامل‌تری را تصریح کرد، هم‌خطی کمتر بین متغیرها و درجه آزادی بیشتر از دیگر مزیت‌های مدل‌های پانل است (بالتاجی ۲۰۰۵).

۴-۱. تصریح مدل

هدف این مقاله، بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک است. همان‌طور که بیان شد، حکمرانی خوب شامل شش شاخص بوده که ما تأثیر درآمدهای نفتی را بر شش شاخص بررسی می‌کنیم، همچنین، میانگین ساده شش شاخص بیان شده را حساب کرده و به عنوان شاخص حکمرانی خوب در نظر می‌گیریم. با توجه به مطالعات انجام شده پیشین (احمداف و همکاران، ۲۰۱۳) و اهداف پژوهش مدل زیر را در نظر گرفته‌ایم:

$$GG_{it} = \alpha_0 - \alpha_1 OIR_{it} - \alpha_2 GS_{it} + \alpha_3 FDI_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن:

– GG^4 : شاخص حکمرانی خوب که میانگین شش شاخص کنترل فساد،

اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، قانون‌مداری، اعتراض و پاسخگویی و

ثبات سیاسی،

– OIR^5 : درآمد نفتی،

1. Hsiao

2. Klevmarken

3. Baltagi

4. Good Governance

5. Oil Rent

- GS: اندازه دولت،
- FDI: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و
- ε_{it} : جزء اخلال است.

رابطه منفی یا مثبت متغیرهای مستقل با متغیر وابسته به لحاظ مبانی نظری بیان شده، انتخاب شده‌اند. همچنین، با توجه به هدف پژوهش که تأثیر این متغیرها بر تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب هم در نظر گرفته شده است. بنابراین، در مدل تصریح شده به جای شاخص GG، به ترتیب CC^۱ (شاخص کنترل فساد)، GE^۲ (شاخص اثربخشی دولت)، PS^۳ (شاخص ثبات سیاسی)، RQ^۴ (کیفیت قوانین)، RL^۵ (قانون‌مداری) و VA^۶ (اعتراض و پاسخگویی) قرار می‌گیرد. پس در مجموع، ۷ مدل برآورد خواهد شد.

۵. داده‌ها و نتایج تجربی

۵-۱. معرفی متغیرها

در این پژوهش تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب ۱۱ کشور منتخب عضو اوپک شامل عربستان، ایران، آنگولا، لیبی، کویت، قطر، ونزوئلا، اکوادور، نیجریه، الجزایر و امارات متحده عربی در دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱ را با استفاده از داده‌های تابلویی به صورت ایستا مدل‌سازی خواهیم کرد. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته (احمداف و همکاران، ۲۰۱۳) انتخاب شده‌اند که در ادامه به معرفی آنها پرداخته ایم. شاخص حکمرانی خوب که شامل شش مؤلفه کنترل فساد، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، قانون‌مداری، اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی است. درآمد نفتی به‌عنوان درصدی از GDP بیان شده‌است که اختلاف بین ارزش تولید نفت خام به قیمت جهانی و هزینه‌های کل تولید را اندازه می‌گیرد. اندازه دولت از روش‌های مختلفی از جمله نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت، مالیات به GDP، کسری بودجه به GDP، مخارج عمرانی به GDP، مخارج جاری به

1. Control of Corruption
2. Government Effectiveness
3. Political Stability
4. Regulatory Quality
5. Rule of Law
6. Voice & Accountability

GDP و مخارج مصرفی نهایی دولت به GDP به دست می‌آید (کميجانی و نظری ۱۳۸۸)، که در این پژوهش از شاخص نسبت مخارج کل دولت به GDP استفاده کرده‌ایم. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) هم به صورت درصدی از GDP و به عنوان متغیر برونزا وارد مدل شده است. اهمیت این متغیر از آن جهت است که با ورود سرمایه‌های خارجی علاوه بر تکنولوژی، شیوه اجرایی مدیریت هم می‌تواند منتقل شود و از این طریق عملکرد دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵-۲. توصیف داده‌ها

بررسی برخی آماره‌های توصیفی از متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه می‌تواند به فهم نتایج و شناخت وضعیت گروه کشورهای عضو اوپک کمک شایانی نماید. در جدول ۱، برخی آماره‌های توصیفی ارائه شده‌اند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی از کشورهای عضو OPEC (۲۰۱۱-۱۹۹۶)

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه
OIR	۲۱/۰۶	۱۶/۱۶	۶۴/۲۵	۵/۳۱
GS	۱۵/۹۹	۱۳/۹۳	۴۲/۵۰	۵/۰۱
FDI	۲/۵۶	۱/۵۷	۴۰/۱۷	-۴/۶۲
CC	۳۷/۹۶	۲۹/۰۰	۹۲/۰۰	۳/۵۰
GE	۳۶/۹۵	۳۱/۰۰	۹۸/۵۰	۶/۵۰۰
PS	۳۶/۶۸	۲۶/۵۰	۸۷/۰۰	۳/۰۰
RL	۳۵/۲۱	۲۶/۹۰	۷۷/۵۹	۳/۰۰
RQ	۳۲/۵۹	۲۶/۰۰	۸۲/۰۰	۳/۵۰
VA	۲۴/۷۰	۲۳/۵۰	۷۹/۰۰	۲/۸۷
GG	۳۴/۰۱	۲۶/۸۷	۷۸/۷۵	۵/۵۹

مأخذ: داده‌های آماری استخراج شده از WDI و WGI.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین مقدار درآمد نفتی در گروه کشورهای عضو اوپک ۶۴/۲۵ دلار بوده که مربوط به کشور عربستان در سال ۲۰۰۸ بوده است. کمترین درآمد نفتی ۵/۳۱ دلار برای کشور اکوادور در سال ۱۹۹۸ است. همچنین، میانگین درآمد نفتی کشورهای مورد مطالعه ۲۱/۰۶ دلار است. بر اساس داده‌های مورد مطالعه بیشترین اندازه دولت ۴۲/۵۰ است که مربوط به کشور آنگولا در

سال ۲۰۰۰ بوده و کمترین اندازه دولت ۵/۰۱ برای کشور ونزوئلا در سال ۱۹۹۶ است. به‌لحاظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گروه کشورهای بررسی‌شده بیشترین مقدار ۴۰/۱۷ برای کشور آنگولا در سال ۱۹۹۹ و کمترین مقدار FDI هم برای کشور آنگولا در سال ۲۰۰۵ است. بیشترین اندازه کنترل فساد ۹۲ برای کشور قطر در سال ۲۰۰۹ و کمترین مقدار آن ۳/۵ مربوط به کشور آنگولا در سال ۲۰۰۰ بوده است. داده‌های مورد بررسی بیشترین مقدار اثربخشی دولت را ۹۸/۵۰ برای کشور قطر و کمترین مقدار آن را ۶/۵۰ مربوط به کشور آنگولا در سال ۲۰۰۰ گزارش می‌دهند. حداکثر شاخص ثبات سیاسی متعلق به کشور قطر به میزان ۸۷ و برای سال ۲۰۰۹ و کمینه این شاخص ۳ بوده که مربوط به کشور آنگولا در سال ۱۹۹۸ است. از مؤلفه‌های دیگر حکمرانی خوب قانونمداری است که در گروه کشورهای مورد بررسی بیشترین مقدار آن ۷۷/۵۹ و مربوط به کشور قطر در سال ۲۰۰۹ و کشور ونزوئلا در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ دارای کمینه مقدار یعنی ۳ است. کشور امارات متحده عربی در سال ۲۰۰۱ بیشینه مقدار کیفیت قوانین را در بین کشورهای مورد بررسی داشته است، همچنین، کمترین مقدار آن متعلق به کشور لیبی در سال ۱۹۹۸ است. حداکثر و حداقل میزان شاخص اعتراض و پاسخگویی یا به عبارتی دموکراسی به ترتیب ۷۹ و ۲/۸۷ بوده است که بیشترین مقدار را کشور امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۱ داشته و کمترین میزان دموکراسی را در بین کشورهای مورد بررسی، لیبی در سال ۲۰۰۸ داشته است. در نهایت به‌لحاظ شاخص حکمرانی خوب که میانگین ساده شش شاخص عنوان شده در نظر گرفته شده، بیشترین میزان آن برای کشور قطر در سال ۲۰۱۰ و کمترین میزان آن را کشور آنگولا در سال ۲۰۰۹ داشته است که به ترتیب ۷۸/۷۵ و ۵/۵۹ بوده‌اند.

۵-۳. نتایج تجربی

در این قسمت به بررسی آزمون‌ها و برآورد مدل‌های ارائه‌شده در قسمت تصریح مدل پرداخته‌ایم.

۵-۳-۱. آزمون پایایی متغیرها

پیش از برآورد مدل باید داده‌ها به لحاظ مانایی (پایایی) مورد آزمون قرار گیرند. آزمون‌های مانایی در مدل داده‌ی تابلویی عبارتند از: آزمون لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲)، ایم، پسران و شین^۲ (۲۰۰۳)، بریتونگ^۳ (۲۰۰۰) و آزمون فیشر برای فیلیپس پرون و آزمون فیشر برای دیکی فولر تعمیم یافته. یکی از مزایای آزمون‌های ریشه واحد داده‌های تابلویی در مقایسه با آزمون‌های مانایی سری زمانی استاندارد و نرمال بودن توزیع مجانبی است (بالتاجی و همکاران ۲۰۰۷). در این مقاله از آزمون‌های LLC و آزمون فیشر برای آزمون فیلیپس پرون برای بررسی پایایی متغیرها استفاده شده است. گفتنی است که فرضیه صفر هر دو آزمون وجود ریشه واحد است و در صورت رد H_0 مانایی متغیرها تأیید می‌شود. نتایج آزمون پایایی داده‌ها را به صورت خلاصه در جدول ۲ آورده‌ایم. همان‌طور که از نتایج آزمون‌های مانایی در جدول ۲ مشخص است، تمام داده‌ها در سطح معناداری ۵ درصد مانا (پایا) هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرها

متغیرها	آزمون LLC		آزمون PP-FISHER	
	آماره t	احتمال	آماره z	احتمال
GG	-۵,۴۳	۰,۰۰	۳۶,۵۳۴۴	۰,۰۲۷
OIR	-۷,۲۰	۰,۰۰	۴۱,۹۹۷۵	۰,۰۰
GS	-۷,۵۰	۰,۰۰	۵۰,۹۲۱۵	۰,۰۰
FDI	-۴,۲۰	۰,۰۰	۵۴,۰۱۳۸	۰,۰۰
CC	-۸,۱۰	۰,۰۰	۱۰۵,۲۲۶	۰,۰۰
GE	-۸,۹۸	۰,۰۰	۷۵,۴۰۲۰	۰,۰۰
PS	-۶,۳۹	۰,۰۰	۱۱۵,۱۵۱	۰,۰۰
RQ	-۱۴,۶۲	۰,۰۰	۸۲,۸۶۷۲	۰,۰۰
RL	-۱۴,۵۸	۰,۰۰	۱۱۰,۹۶۳	۰,۰۰
VA	-۱۰,۴۳	۰,۰۰	۴۸,۲۹۶۶	۰,۰۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews

1. Levin, Lin and Chu (LLC)
 2. Im, Pesaran and Shin
 3. Breitung

۵-۳-۲. آزمون معناداری اثرات گروه و آزمون هاسمن

به منظور بررسی اینکه مدل از روش پانل یا حداقل مربعات تجمیع‌یافته^۱ پیروی می‌کند، آزمون F انجام می‌گیرد که در صورت رد فرضیه H_0 آن پانل بودن مدل تأیید شده و به برآورد اثرات تصادفی یا اثرات ثابت پرداخته می‌شود و اگر فرضیه صفر آزمون رد نشود، تلفیقی بودن مدل تأیید شده و از روش حداقل مربعات معمولی برای برآورد مدل استفاده می‌شود. این آماره به صورت زیر است:

$$F = \frac{(RSS_R - RSS_{UR}) / (N - 1)}{(RSS_{UR}) / (NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K} \quad (1-4)$$

که در آن، RSS_R مجموع مجذور پسماندهای حاصل از برازش رگرسیون با برابری عرض از مبدأها (مقید)، RSS_{UR} مجموع مجذور پسماندهای حاصل از برازش رگرسیون با عرض از مبدأهای مختلف (نامقید)، N تعداد مقاطع، K تعداد متغیرهای توضیحی و T دوره زمانی است. فرضیه صفر این آزمون برابری عرض از مبدأها بوده و در صورت رد فرضیه H_0 عرض از مبدأ واحدهای مختلف برابر نیست (التاجی، ۲۰۰۵).

آزمون به روش پاگان نیز برای تعیین اثرات تصادفی انجام می‌گیرد. آماره آزمون دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی یک بوده و به این صورت تعریف می‌شود:

$$LM = \frac{NT}{2(T-1)} \left[\frac{\sum_{i=1}^n \left[\sum_{t=1}^T \hat{\epsilon}_{it} \right]^2}{\sum_{i=1}^n \sum_{t=1}^T \hat{\epsilon}_{it}^2} - 1 \right] \quad (2-4)$$

فرضیه صفر این آزمون نبود اثرات تصادفی است و در صورت رد فرضیه H_0 دلیلی بر رد اثرات تصادفی وجود ندارد (گرین ۲۰۰۳).^۲ پس از تأیید ترکیبی بودن مدل و وجود اثرات تصادفی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که کدام یک از روش‌های اثرات ثابت یا تصادفی را باید به کار برد؟ آزمون هاسمن برای تعیین روش برآورد در رهیافت داده‌های تابلویی به کار می‌رود. فرضیه صفر این آزمون روش اثرات تصادفی و فرضیه مقابل روش اثرات ثابت است. آماره این آزمون (H) دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی K (تعداد متغیرهای توضیحی) است.

1. Pooled Least Square
2. Green.

$$H = \frac{\hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE(GLS)}}{VAR(\hat{\beta}_{FE}) - VAR(\hat{\beta}_{RE(GLS)})}$$

به طوری که $\hat{\beta}$ برآوردکننده های روش اثرات ثابت و $\hat{\beta}_{RE(GLS)}$ برآوردکننده روش اثرات تصادفی است. در صورت رد فرض H_0 روش برآورد اثرات تصادفی به کار برده می شود.

جدول ۳. نتایج آزمون ها برای هفت معادله

معادله	نوع آزمون	آزمون F	آزمون بروش - پاگان	آزمون هاسمن
(۱)	مقدار آماره	۳۳۱,۵۸	۵۵۲,۶۵	۰,۶۰
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۸۹۶۲
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی
(۲)	مقدار آماره	۱۶۵,۶۵	۵۲۰,۳۹	۰,۶۴
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۸۸۷۲
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی
(۳)	مقدار آماره	۱۷۴,۸۷	۴۹۶,۳۲	۲,۵۷
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۴۶۲۹
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی
(۴)	مقدار آماره	۱۲۹,۷۱	۵۰۴,۵۴	۱,۱۰
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۷۷۷۸
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی
(۵)	مقدار آماره	۱۱۲,۵۲	۴۳۱,۱۷	۲,۳۱
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۵۱۰۸
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی
(۶)	مقدار آماره	۱۲۸,۲۲	۴۷۳,۱۲	۱۸,۹۹
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۳
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات ثابت
(۷)	مقدار آماره	۱۴,۱۰	۱۸۱,۶۶	۰,۷۱
	prob	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۸۷۰۸
	مدل	پانل	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی

مأخذ: یافته های این پژوهش با استفاده از نرم افزار Stata

در جدول ۳، نتایج آزمون‌ها برای هفت معادله ارائه شده است. معادله‌ها به ترتیب مدل‌های ارائه‌شده در بخش تصریح مدل هستند که متغیر وابسته در معادله اول شاخص حکمرانی خوب و برای معادله‌های دیگر به ترتیب کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین، قانونمداری و اعتراض و پاسخگویی است. با توجه به نتایج جدول ۳، پانل بودن تمامی مدل‌ها تأیید شده است. آزمون به‌روش پاگان وجود اثرات تصادفی را برای مدل‌ها گزارش می‌دهد؛ همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده‌ایم، نتایج آزمون هاسمن به‌کار بردن روش برآورد اثرات تصادفی را برای ۶ مدل تأیید کرده است و تنها در مدل ششم که قانونمداری متغیر درون‌زا بوده، وجود اثرات ثابت را نتیجه داده است. حال که روش برآورد مدل‌های ارائه شده تعیین شده است، برای هرچه بیشتر قابل اعتماد بودن نتایج، آزمون‌های تشخیصی همسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی انجام می‌گیرد.

۵-۳-۳. آزمون‌های تشخیصی

در صورت وجود مشکل خودهمبستگی سریالی و در نظرنگرفتن آن، هرچند که برآوردها همچنان سازگارند، ولی باعث برآوردهای ناکارایی از ضرایب رگرسیون به همراه تورش در خطاها می‌شود. برای بررسی از آزمون وولدریچ (۲۰۰۲) با فرضیه صفر نبود خودهمبستگی سریالی استفاده شده است. همچنین، آزمون همسانی واریانس بررسی شده است.

فرضیه صفر این آزمون نیز همسانی واریانس بوده و با رد فرضیه صفر به وجود مشکل ناهمسانی واریانس در مدل پی‌خواهیم برد. در جدول ۴، نتایج آزمون‌های تشخیصی گزارش شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده، وجود ناهمسانی واریانس در تمامی مدل‌ها تأیید شده است. خودهمبستگی سریالی هم برای تمامی مدل‌ها بجز مدل ۴، گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های تشخیصی

معادله / آزمون‌ها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
آزمون خودهمبستگی وولدریچ	۱۳۲,۸۶ (۰,۰۰)	۱۲۴,۲۲ (۰,۰۰)	۱۲۱,۵۰ (۰,۰۰)	۱۳۰,۳۱ (۰,۰۰)	۱۰۳,۴۳ (۰,۰۰)	۳۸,۲۸ (۰,۰۰)	۵۳,۱۱ (۰,۰۰)
آزمون ناهمسانی واریانس	۱۷,۳۹ (۰,۰۰)	۱۱۹,۵۱ (۰,۰۰)	۲۲,۷۴ (۰,۰۰)	۱,۹۷ (۰,۱۹)	۱۸,۰۶ (۰,۰۰)	۱۲۴,۳۵ (۰,۰۰)	۴۵۷,۶۱ (۰,۰۰)

مأخذ: یافته‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Stata، *اعداد داخل پرانتز مقدار احتمال آماره است.

۵-۳-۴. نتایج برآورد

با توجه به وجود مشکلات ناهمسانی واریانس و وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلاص در تمامی مدل‌ها، مدل‌های در نظر گرفته شده به روش GLS و با در نظر گرفتن مشکلات پیش‌گفته، برآورد شده‌اند. در جدول ۵، نتایج نهایی برآورد پس از رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی ارائه شده است. با توجه نتایج به‌دست آمده در معادله اول که متغیر وابسته شاخص حکمرانی خوب است، درآمد نفتی اثری منفی و معنادار به میزان ۰/۰۶ درصد بر این شاخص داشته است. اندازه دولت نیز با ضریب تأثیرگذاری ۲۷ درصد، حکمرانی را کاهش داده است. بنابراین، بزرگ بودن دولت‌ها در کشورهای نفت‌خیز تأثیری منفی بر حکمرانی آنها داشته است. متغیر دیگر در نظر گرفته شده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده که این متغیر برونزا رابطه مثبتی با شاخص حکمرانی خوب داشته و این تأثیرگذاری به میزان ۱۹ درصد گزارش شده است. بنابراین، مدل برآوردشده به صورت زیر است:

$$GG = 37.50 - 0.06OIR - 0.27GS + 0.19FDI \quad (1)$$

با توجه به جدول ۵، مدل برآوردشده معادله دوم عبارت است:

$$CC = 41.63 - 0.10OIR - 0.38GS + 0.12FDI \quad (2)$$

بنابراین، درآمد نفتی در گروه کشورهای منتخب اوپک با کنترل فساد رابطه منفی به میزان ۱۰ درصد داشته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اندازه دولت نیز با کنترل فساد رابطه منفی به میزان ۳۸ درصد داشته است، یعنی بزرگ شدن دولت شاخص کنترل فساد را کاهش داده است. FDI با کنترل فساد رابطه مثبت داشته، اما همان‌گونه که در جدول ۵ نمایان است، این رابطه معنادار نیست.

مدل سوم پس از برآورد به این صورت تصریح شده است:

$$GE = 40.48 - 0.05OIR - 0.31GS + 0.30FDI \quad (3)$$

با توجه به نتایج به دست آمده در این مدل درآمد نفتی تأثیر معناداری بر اثربخشی دولت نداشته است. اندازه دولت تأثیر منفی و معناداری بر اثربخشی دولت دارد و ضریب تأثیرگذاری آن ۳۱ درصد بیان شده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اثربخشی دولت را به میزان ۳۰ درصد افزایش می‌دهد.

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۵، مدل چهارم بدین صورت بیان می‌شود:

$$PS = 40.26 - 0.18OIR + 0.67GS - 0.64FDI \quad (4)$$

یافته‌ها نشان‌دهنده اثر منفی و معنادار درآمد نفتی بر ثبات سیاسی به میزان ۱۸ درصد است؛ اما اندازه دولت رابطه مثبتی با ضریب تأثیرگذاری ۶۷ درصد با ثبات سیاسی دارد. همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، FDI به میزان ۶۴ درصد باعث کاهش ثبات سیاسی شده است.

بر اساس نتایج بیان شده در جدول ۵، مدل پنجم را می‌توان بدین صورت تصریح

کرد:

$$RQ = 26.89 - 0.01OIR - 0.39GS + 0/20FDI \quad (5)$$

درآمد نفتی رابطه منفی با کیفیت قوانین دارد؛ اما همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، این رابطه معنادار نیست. اندازه دولت باعث کاهش کیفیت قوانین به میزان ۳۹ درصد شده و از طرفی FDI به میزان ۲۰ درصد کیفیت قوانین را افزایش داده است.

ارتباط بین متغیرهای برونزا با شاخص قانونمداری که مدل ششم پژوهش است، با

توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۵ را می‌توان به صورت زیر عنوان کرد:

$$RL = 30.46 + 0.01OIR - 0.31GS + 0.14FDI \quad (6)$$

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، درآمد نفتی رابطه مثبتی با قانونمداری دارد؛ اما این ارتباط در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار نیست. نتایج نشان می‌دهد که اندازه دولت به میزان ۳۱ درصد قانونمداری را کاهش می‌دهد. FDI نیز رابطه‌ای مثبت اما بی‌معنی با قانونمداری داشته است.

اعتراض و پاسخگویی از متغیرهای دیگر وابسته بوده که تأثیر متغیرهای در نظر گرفته شده بر روی آن در جدول ۵ گزارش شده است. این ارتباط در قالب مدل هفتم به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$VA = 28.50 - 0.07OIR - 0.21GS - 0.01FDI \quad (7)$$

در این مدل، درآمد نفتی باعث کاهش اعتراض و پاسخگویی به میزان ۰/۰۷ درصد شده است. اندازه دولت با ضریب تأثیرگذاری ۲۱ درصد این شاخص را کاهش داده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود FDI رابطه منفی با شاخص اعتراض و پاسخگویی دارد، اما این رابطه معنادار گزارش نشده است.

جدول ۵. نتایج برآورد نهایی پس از رفع خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس

متغیر	مدل (۱) (متغیر وابسته GG)		مدل (۲) (متغیر وابسته CC)		مدل (۳) (متغیر وابسته GE)		مدل (۴) (متغیر وابسته PS)	
	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب
عرض از مبدأ	۲/۴۷	۳۷/۵۰	۲/۸۶	۴۱/۶۳	۳/۷۱	۴۰/۴۸	۲/۲۵	۴۰/۲۶
OIR	۰/۰۳	-۰/۰۶*	۰/۰۵	-۰/۱۰*	۰/۰۵	-۰/۰۵	۰/۰۸	-۰/۱۸*
GS	۰/۰۹	-۰/۲۷*	۰/۱۷	-۰/۳۸*	۰/۱۴	-۰/۳۱*	۰/۲۳	-۰/۶۷*
FDI	۰/۱۰	۰/۱۹**	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۳۰**	۰/۳۶	-۰/۶۴**
متغیر	مدل (۵) (متغیر وابسته RQ)		مدل (۶) (متغیر وابسته RL)		مدل (۷) (متغیر وابسته VA)		..	
	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب
عرض از مبدأ	۲/۹۳	۲۶/۸۹	۳/۰۶	۳۰/۴۶	۱/۸۱	۲۸/۵۰	۰	۰
OIR	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۳	-۰/۰۷*		
GS	۰/۱۲	-۰/۳۱*	۰/۱۲	-۰/۳۱*	۰/۱۱	-۰/۲۱**		
FDI	۰/۰۹	۰/۲۰*	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۱۲	-۰/۰۱		

مأخذ: محاسبات این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Stata، *در سطح ۵ درصد معنادار و ** در سطح ۱۰ درصد معنادار است.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در این مطالعه تأثیر درآمدهای نفتی را بر شاخص حکمرانی خوب و شش مؤلفه آن برای کشورهای منتخب عضو اوپک برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱ را مورد بررسی قرار دادیم. برای این منظور از رهیافت داده‌های تابلویی استفاده کردیم. داده‌های تابلویی در مقایسه با مقطعی و سری زمانی نتایج بهتری را ارائه می‌دهند. در این پژوهش بر اساس آزمون‌های انجام‌شده روش برآورد با اثرات تصادفی برای تمامی معادلات بجز معادله ۶ که دارای اثرات ثابت است، تأیید شده است؛ اما نتایج آزمون‌های تشخیصی وجود مشکلات ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی بین اجزای اخلاص را در مدل‌های ارائه شده، نتیجه دادند؛ بنابراین، از روش برآورد GLS (حداقل مربعات تعمیم‌یافته) با در نظر گرفتن مشکلات بیان‌شده، استفاده کردیم. نتایج برآورد مدل‌ها نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی روی شاخص‌های حکمرانی خوب، کنترل فساد، ثبات سیاسی و اعتراض و پاسخگویی اثر منفی و معنادار داشته است. از سوی دیگر، روی شاخص اثربخشی دولت و کیفیت قوانین اثر منفی و روی قانونمداری اثر مثبت داشته، اما معنادار نبوده‌اند. بنابراین، درآمدهای نفتی در کشورهای نفت‌خیز آثار سوئی بر حکمرانی این کشورها داشته است. اندازه دولت در کشورهای نفت‌خیز به این دلیل که درآمدهای عظیم نفتی در اختیار دولت است، به‌طور طبیعی بسیار بزرگ بوده و منطقی است که تأثیرات آن روی شاخص‌های دولتی به مراتب زیاد باشد که نتایج برآوردها هم این نکته را تأیید کرده است. این متغیر روی تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب بجز ثبات سیاسی اثر منفی داشته است، در اختیار داشتن درآمدهای بادآورده آن هم به مقدار زیاد سبب بزرگ شدن اندازه دولت شده و زمینه را برای فساد دولتی و کاهش کارایی دولت و کیفیت قوانین و مقررات فراهم کرده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان نوعی از تأمین سرمایه مورد نیاز داخلی با ورود تکنولوژی و شیوه اجرایی مدیریت کیفیت نهادی، کیفیت قوانین و حکمرانی خوب را افزایش داده است، اما امنیت و ثبات سیاسی از طریق واردشدن سرمایه‌های خارجی کاهش یافته است.

در مجموع، نتایج برآورد مدل‌های ارائه‌شده برای کشورهای عضو اوپک نشان می‌دهد

که:

۱. درآمدهای نفتی روی بیشتر شاخص‌های حکمرانی خوب اثر منفی داشته است، بدین روی، توجه سیاستگذاران اقتصادی باید معطوف به درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی و کاهش استقلال دولت از مردم در این کشورها شود.
۲. آثار سوء اندازه دولت در این کشورها روی شاخص‌های حکمرانی خوب تأیید شده است، بنابراین، لزوم کاهش اندازه دولت از طریق کاهش اختیار درآمدهای نفتی توسط دولت مشاهده می‌شود.
۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی شاخص‌های دولتی اثر مثبت داشته و آنها را بهبود بخشیده است، بنابراین، می‌تواند در زمان نیاز به تأمین سرمایه‌های داخلی مورد توجه سیاستمداران قرار گیرد.

در انتها لازم است تأکید شود با وجود سیاست‌های مناسب، وجود درآمدهای عظیم نفتی می‌تواند به یک خیر تبدیل شود. همان‌طور که کشور نروژ به عنوان یکی از کشورهای اصلی صادرکننده نفت، در این زمینه بسیار موفق بوده است. دولت نروژ، رانت نفتی را در صندوق نفتی دولتی نگهداری می‌کند که صرف سرمایه‌گذاری در تأمین اجتماعی بازنشستگان و اوراق بهادار خارجی می‌شود.

۷. منابع

- بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب). دو ماهنامه اقتصادی و بازرگانی. سال نهم، شماره ۴۸، صص ۸۱-۶۹.
- جاسبی، عبدالله و نفری، ندا. (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران. سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۱۷-۸۵.
- خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۵). بلای منابع. اقتصاد و جامعه. سال دوم، شماره هفتم.
- خیرخواهان، جعفر و برادران شرکاء، حمیدرضا. (۱۳۸۲). رونق نفتی و نرخ پس‌انداز در کشورهای اوپک. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۶، صص ۱۳۲-۱۰۱.

- رنجبر، همایون؛ سامتی، مرتضی؛ فرح‌بخش، مریم و محسنی، فضیلت. (۱۳۹۱). تحلیل رابطه درآمدهای نفتی و کیفیت با رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک). اولین همایش منطقه‌ای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز.
- صادقی، سیدکمال و سجودی، سکینه (۱۳۹۰). وابستگی فساد و اندازه دولت در کشورهای اسلامی، نشریه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۸۵، ص ۲۰۳-۱۹۴
- صامتی، مجید و اسمعیل دره‌چایی، نجمه. (۱۳۹۲). تأثیر وفور منابع طبیعی بر سیاست‌های مالی دولت در ایران طی دوره (۱۳۸۷-۱۳۵۷) با تأکید بر فرضیه نفرین منابع طبیعی. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی. سال اول، شماره ۳، صص ۷۰-۵۳.
- طیبیان، محمد. (۱۳۸۷). وبسایت رستاک.
- کارل، تری لین. (۱۳۸۸). معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی. ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- کبیری، افشار. (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی حکمرانی خوب. رساله دکتری جامعه‌شناختی. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- لوسیان، جیاکومو. (۱۳۷۴). درآمد ثابت نفتی: بحران مالی دولت و گرایش به دموکراسی. فصلنامه مطالعات خاورمیانه سال دوم، شماره ۲، صص ۴۶۲-۴۲۳.
- متفکرآزاد، محمدعلی و ممی‌پور، سیاب. (۱۳۹۲). تحلیل اقتصادی- سیاسی موانع تأثیرگذاری وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی. سال اول، شماره اول، صص ۱۲۴-۹۷.
- محمدزاده، پرویز؛ ممی‌پور، سیاب و فشاری، مجید. (۱۳۸۹). کاربرد نرم‌افزار استاتا در اقتصادسنجی. تهران: انتشارات نورعلم و دانشکده علوم اقتصادی. چاپ اول.
- نادری، محمد مهدی. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. شماره یک، صص ۹۴-۶۹.
- نجفی، کرم. (۱۳۸۳). تأثیر درآمدهای نفتی بر سیاست‌های اقتصادی ایران در دهه ۶۰ و ۷۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران

- یوسفی، محمدقلی. (۱۳۸۵). بررسی علل شکست سیاست‌های تعدیل در فرآیند توسعه اقتصادی. نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۲۳۱ و ۲۳۲، صص ۱۷۷-۱۵۴.
- Ahmadov, I., Mammadov, J., and Aslanli, K. (2013). Assessment of Institutional Quality in Resource-Rich Caspian Basin Countries. Available at SSRN 2274813.
- Andersen, J.J., & Aslaksen, S. (2013). Oil and Political Survival. *Journal of Development Economics*, Vol.100, No.1, pp. 89-106.
- Arezki, R., & Brückner, M. (2011). Oil rents, Corruption, and State Stability: Evidence from Panel Data Regressions. *European Economic Review*, Vol.55, No. 7, pp. 955-963.
- Arvate, P.R., Curi, A.Z., Rocha, F., and Sanches, F.A. (2010). Corruption and the Size of Government: Causality Tests for OECD and Latin American Countries. *Applied Economics Letters*, Vol.17, No.10, pp. 1013-1017.
- Baltagi, B.H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, John Wiley & Sons Ltd, The Atrium, Southern Gate, Chichester, West Sussex PO198SQ, England.
- Baltagi, B.H., Bresson, G., and Pirotte, A. (2007). Panel Unit Root Tests and Spatial Dependence. *Journal of Applied Econometrics*, Vol.22, No.2, pp. 339-360.
- Barbier, E.B. (2003). The Role of Natural Resources in Economic Development. *Australian Economic Papers*, Vol.42, No.2, pp. 253-272.
- Barbier, E.B. (2010). Corruption and the Political Economy of Resource-Based Development: a Comparison of Asia and Sub-Saharan Africa. *Environmental and Resource Economics*, Vol.46, No.4, pp. 511-537.
- Bhattacharyya, S., and R. Hodler, (2010). Natural Resources, Democracy and Corruption. *European Economic Review*, Vol.54, No.4, pp. 608-621.
- Carbonnier, G., and Wagner, N. (2011). Oil, Gas and Minerals: The Impact of Resource-Dependence and Governance on

Sustainable Development, *CCDP Working Paper no. 8* (Geneva: The Graduate Institute).

- Collier, P. (2000). Economic causes of civil conflict and their implications for policy (pp. 839-53). Washington, DC: the World Bank.
- Fearon, J.D., & D.D. Laitin, (2003). Ethnicity, Insurgency, and Civil War. *American Political Science Review*, Vol.97, No.01, pp.75-90.
- Goel, R.K., & Nelson, M.A. (1998). Corruption and Government Size: a Disaggregated Analysis. *Public Choice*, Vol.97, No.1-2, pp.107-120.
- Greene, W.H. (2003). *Econometric Analysis 5/3*, Stern School of Business, New York University.
- Governance for Sustainable Human Development, *A UNDP policy paper*, UNDP, 1997.
- Hamilton, K. & R. Giovanni. (2006). From Curse to Blessing, Natural Resource and Institutional Quality. *Environment Matters, the World Bank Group*, pp. 24-27.
- Karl, Terry L. (1997). *Paradox of Plenty: Oil Booms and Petro-states*. Berkeley: University of California press.
- Kotera, G., Okada, K., and Samreth, S. (2012). Government Size, Democracy, and Corruption: An Empirical Investigation. *Economic Modelling*, Vol.29, No.6, pp. 2340-2348.
- Kraay, A., Mastruzzi, M., and Kaufmann, D. (2003). Governance Matters III: Governance Indicators for 1996–2002. *Informe de Investigación*, WPS, 3106.
- Lyon, P. (2000). Partnership for Good Governance in the 21Century, *Aus Journal of Public Administration*, Vol.59, Issue 3, pages 87–93,.
- Mahdavi, P. (2014). Extortion in the Oil States: Nationalization, Regulatory Structure, and Corruption.
- Nilsson, K. (2008). Bad Wealth–Retesting the Relationship between Natural Resource Abundance and Democracy. *QoG working paper series*, 2008(11), 11.

- Ogundiya, I.S. (2010). Democracy and Good Governance: Nigeria's Dilemma. *African Journal of Political Science and International Relations*, Vol.4, No.6, pp. 201-208.
- OHCHR, H, (2000). Human Rights in Development. *Office of United Nations High Commissioner for Human Rights – Geneva*.
- Ron, J. (2005). Paradigm in Distress? Primary Commodities and Civil War. *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 49, No.4, pp. 443-450.
- Ross, M.L. (2008). Blood Barrels-Why Oil Wealth Fuels Conflict. *Foreign Affairs*, Vol.87, No. 3. pp. 2-9
- Sachs, J. & A. Warner. (1997). Natural Resource Abundance and Economic Growth, *mimeo, Center for International Development, Harvard University*
- Smith, B. (2004). Oil Wealth and Regime Survival in the Developing World, 1960–1999. *American Journal of Political Science*, Vol.48, No.2, pp. 232-246.
- Stowe, K. (1992). Good Piano Won't Play Bad Music Administrative Reform and Good Governance. *Public Administration*, Vol.70, No.3, pp. 387-394.
- Sutherland, C.A. (2012). Expanding Corporate Social Responsibility in the Petroleum Industry: Improving Good Governance in Oil Exporting Countries, Forfatter: Publisher, Oslo.

UNESCAP. (2002). What is Good Governance available at <http://www.Unscap.org/hunset/gg/governanc>.- World Bank. (2005). Governance Indicators. 1996-2004 Washington D. C: World Bank. Available <http://info.worldbank.org/governance/kkz2004/tables>.